در گفتگو با متخصص مرمت بناهای تاریخی مطرح شد؛

بناهای ملی و جهانی ایران چگونه مرمت می‌شوند

■ مواقعی هست که فرصتِ مرمتِ اصولی را هم نداریم فقط باید بنا را نجات دهیم.

خاطره مکینیان

گروه گردشگری –ایران بیش از ۳۴ هزار اثر تاریخی ثبت شده دارد که از میان آن‌ها ۱۴ هزار و ۷۲۰ بنا و ۱۹ هزار و ۵۹۳ تپه و محوطه تاریخی نیازمند حفاظت، مرمت و نگهداری هستند. اما هنوز موضوع مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی در کشور همواره با ابهامات و موضوعات چالش‌برانگیز مختلف مواجه است.

درحال‌حاضر ایران بیش از ۳۴ هزار اثر تاریخی دارد که در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده‌اند. البته هنوز از آثار موجود که هنوز به مرحله شناسایی و ثبت نرسیده‌اند آماری به‌دست ما نرسیده، اما آنچه مشخص است وجود بیش از ۱۴ هزار و ۷۲۰ بنا و ۱۹ هزار و ۵۹۳ تپه و محوطه تاریخی در سراسر کشور است که نیازمند حفاظت، مرمت و نگهداری هستند.

در این میان موضوع مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی کشور همواره با ابهامات و موضوعات چالش‌برانگیز مختلف مواجه بوده است. اینکه آیا در مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی الگو و استاندارد مشخصی وجود دارد؟ نظر چه کسی و یا چه کسانی در مرمت مهمترین بناهای تاریخی نقش دارد و چرا با وجود منشورهای بین‌المللی و شوراهای فنی همچنان مرمت پروژه‌های تاریخی در بسیاری مواقع بحث‌برانگیز می‌شود؟ به عنوان مثال سازه‌های آبی – تاریخی شوشتر به عنوان مهمترین سازه تاریخی – آبی جهان، درحالی وضعیت مضطرب و ناپایدار را تجربه می‌کند که چندی پیش، مرمت‌گران با تزریق بتن و سیمان بر جداره شرقی آن تلاش برای حفظ بقای این سازه تاریخی ارزشمند و جهانی شده ایران کردند.

اما همین اقدام مرمتی موجب نگرانی کارشناسان و فعالان میراث فرهنگی شد و بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای به همراه داشت. «ساشا ریاحی‌مقدم» استاد دانشگاه و متخصص مرمت بناهای تاریخی در گفتگویی وضعیت پروژه‌های مرمت بناها و محوطه‌های کشور و مسیری که این پروژه‌ها برای حفاظت بهتر طی می‌کنند را بررسی کرد.

چه زمانی می‌گوییم که یک بنا نیازمند مرمت است؟ آیا بناهای تاریخی ایران بر اساس منشورها و استانداردهای بین المللی مرمت می‌شوند؟

استفاده از واژگان مرمت، حفاظت و بازسازی به تنهایی بار معنایی متفاوت و مفهوم خاصی را دنبال می‌کنند و هرکدام از این واژگان توسط سازمان‌های بین‌المللی و قوانین داخلی تعریف شده است واژگان تخصصی حوزه مرمت باید درست و با استناد به منابع موجود به‌کار برده شود. به عنوان مثال، احیای یک بنای تاریخی متفاوت از اقداماتی که در راستای حفاظت و یا مرمت انجام می‌گیرد. احیاء فعالیتی است که مربوط به تغییر کاربری، تجدید حیات و استفاده مجدد است که آن نیز دارای زیرمجموعه‌هایی است که فعالیت‌های وابسته به خودش را دارد. یک زمانی است که ما اظهارنظر شخصی می‌کنیم و زمانی به قوانین و مقررات بین‌المللی ارجاع می‌دهیم. اینکه چطور بفهمیم چه کاری درست است چه کاری غلط نیازمند اصول و چهارچوب‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی است که این اصول و چهارچوب‌ها می‌توانند میزان سنجش و تشخیص مرمت درست و غلط باشند. به عنوان مثال، مواجهه با یک بنای سنگی در یک شرایط اقلیمی خاص و با توجه به شرایط پایداری آن کاملا متفاوت از یک بنای خشت و گلی در یک شهر دیگر است. یا ممکن است یک بنای قرن هفتم در کرمان و یا یزد تخریب شود و نتوان آن را مرمت کرد شرایط مرمت و حفاظت از این بنا خیلی متفاوت از یک بنای ساسانی سنگی در شیراز است که وضعیت تقریبا پایداری دارد. این موضوعات باید از یکدیگر تمیز داده شود و بدانیم درحال تصمیم‌گیری کدام بنا با چه ساختاری هستیم تا به قوانین و اصولی که در این زمینه وجود دارد ارجاع دهیم.

با گسترش علوم جدید، منشورها و استانداردهای جهانی مرمت هنوز هم از کیفیت و کارایی لازم برخوردارند؟

به طور کلی یکسری اصول و قوانین بین‌المللی وجود دارد که خیلی کلی است. هر چند که مربوط به سالهای گذشته است اما نه تنها در دوره خود که هنوز هم مترقی و پیشرفته است مثل منشور ونیز که دارای ۱۶ بند است و این منشور جزو نخستین سندهای بین‌المللی بناها و محوطه‌های تاریخی است که بسیار تاکید دارد که از تکنیک‌های سنتی و قدیمی استفاده شود و درصورتی می‌توان از تکنیک‌های نوین و مصالح جدید بهره گرفت که در آزمایشگاه آزمون و خطا و نتیجه آن مشخص باشد. همچنین در یکی دیگر از بندهای آن تاکید شده که تاریخ و زمان مرمت باید با تغییر رنگ و یا تغییر جنس مصالح مشخص شود. در واقع منشور ونیز منشور مادر است و بعد از آن منشورهای دیگری از جمله منشور فلورانس نوشته شد که این منشورها تکمیل کننده منشور ونیز بودند. در واقع سنجش و ارزیابی کلان می‌تواند براساس منشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی انجام شود چراکه منشورها و سندهای بین‌المللی تمام مواریث فرهنگی جهان را در برمی‌گیرد.

منشور ونیز در سال ۱۹۶۴ توصیه کرده است که باید از تکنیک‌ها و مصالح سنتی استفاده کنید اما آیا این تکنیک‌ها همیشه و در همه شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

آنچه اهمیت دارد این است که یک بنا چه نیازی دارد تا آگاهانه‌تر رفتار کنیم. مسئله دوم این است که قوانین و ضوابطی که به آن بنا برمی‌گردد، مطالعه شود. به طور مثال، پس از آنکه یزد در فهرست میراث جهانی قرار گرفت، ایکوموس توصیه کرد که مردم به شیوه ساخت و سازهایی که در گذشته داشتند برگردند و بناهای خود را با خشت و گل بسازند. درصورتی که تا قبل از ثبت جهانی تمام ساختمان‌هایی که احداث می‌شد با بتن و تیرآهن بود و اجرای قوانین در بافت تاریخی از رعایت ارتفاع و طراحی نمای آجری فراتر نمی‌رفت. پس از آنکه توصیه ایکوموس فراگیر شد و مردم به این نتیجه رسیدند که معماری خشت و گل یک معماری پاک است و با اقلیم و طبیعت و انسان کاملا سازگاری دارد معماری خشت و گل به سرعت مورد اقبال مردم یزد قرار گرفت. توصیه دیگری که در شهر یزد بعد از ثبت جهانی شد این بود که مردم از احداث ساختمان‌های درشت مثل مجتمع‌های تجاری و پارکینگ‌های بزرگ خودداری کنند و خدمات شهری بر اساس نقشه ۱۳۳۵ صورت بگیرد و این اتفاق در شهر یزد رخ داد و مردم به لحاظ تکنیک ساخت و استفاده از مصالح و فناوری دقیقا مطابق با شیوه گذشتگان خود پیش می‌رود. البته این شرایط خاص یزد است که موفقیت‌آمیز بود اما نمی‌توان گفت این نسخه برای کرمان و کاشان دیگر شهرهای تاریخی کوچک که درون فلات مرکزی و اقلیم گرم و خشک کویری قرار گرفته‌اند هم جواب می‌دهد. مثلا در یزد اگر فردی با آجر و سیمان ساختمانی احداث کند یک اقدامی برخلاف ضابطه است. اما همانطور که می‌دانید استفاده از مصالح بتن و سیمان مرمت بناهای اصفهان به وفور دیده می‌شود و ضابطه‌ای وجود ندارد در واقع قرار نیست یک اتفاق به همه جا متسری بشود. به عنوان مثال، بناهایی که در اقلیم کوهستانی قرار دارند اگر مصالحی چون سیمان که در برابر رطوبت و سرما مقاومت دارند استفاده نشود اشتباه است. یک نسخه را نباید برای همه جا پیچید و باید براساس یک چهارچوب کلی نگاه کرد و با رعایت دستورالعمل‌های محلی پیش رفت.

یک شورا تصمیم می‌گیرد. تصمیم گیری یک فرد یا یک شخص در مواجهه با میراث فرهنگی خیلی سخت است و توصیه شده که از نمایندگان مردم و متخصصان و کارشناسان محلی، استادان دانشگاه و پیشکسوتان استفاده شود درست مثل ترکیبی که ما در شورای راهبردی و فنی خود استفاده می‌کنیم.

چگونه می‌توان قضاوت درست از یک مرمت اصولی داشت؟

بهترین قضاوتی که می‌توان در مورد مرمت‌هایی که انجام می‌شود این است که وهله نخست بدانیم چه اقدامی و روی چه بنایی دارد انجام می‌شود. یک زمانی است که آن مرمت‌گر یا مدیر پروژه به این نتیجه رسیده است که فقط حفاظت کند. یعنی قرار نیست چیزی به حالت قبل برگردد. وقتی می‌گوییم حفاظت شود یعنی اثر در همان حالتی که هست حفظ شود و از تخریب بیشتر جلوگیری و در مرحله نهایی در موردش تصمیم گیری شود. ما باید ببینیم چه کاری قرار است صورت بگیرد؟ یکی از رویکردهایی که در حفاظت از میراث فرهنگی وجود دارد نگهداری اثر در همان شرایط موجود است. برخی از نظریه پردازان معتقدند این اقدام بهترین رویکرد است. دومین رویکرد این است که درصورت اطلاعات کامل از بنا آن را به وضعیت گذشته‌اش برگردانیم. اسم این اقدام مرمت است. مرمت یعنی بازگردان اثر به حالت اولیه خودش با استفاده از همان مصالح. اگر یک ساختمان آجری فروریخته و اسناد و مدارک‌اش کامل است باید آن را به همان حالت قبل برگردانیم مثل ارگ بم که بعد از زلزله با همان مصالح دارد انجام می‌شود. ولی یک زمانی است که آثار ما در اثر بلایای طبیعی به طور کامل و به صورت آنی از بین رفته باشد و ما قادر به حفظ اثر نباشیم مثل مسجد جامع یا مسجد فرح آباد ساری که در اثر آتش‌سوزی از بین رفت. درصورت موجود بودن نقشه‌ها و اطلاعات باید دوباره ساخته شود که نام آن می‌شود بازسازی عین به عین.

آیا این دستورالعمل محلی برای تمامی شهرها تعریف شده است؟

نگهداری از یک بنا ریشه در سنت‌های گذشته دارد و نیازمند شیوه‌های بومی است. درواقع بعد از جنگ جهانی دوم بود که به فکر انسان رسید که از بناهای تاریخی به روش‌های علمی امروزی حفاظت کند و قبل از آن مردم با روش‌های سنتی و تجربیاتی که در اختیار داشتند از مواریث خود نگهداری می‌کردند. مردم دانشی داشتند که سینه به سینه حفظ و به نسل‌های بعد انتقال می‌دانند و خیلی مهم است که این نگاه را در مرمت‌هایی که هم‌اکنون انجام می‌دهیم تداوم ببخشیم. یکی از کارهای مهم مرمت‌گران شناسایی دانش و توسعه و تداوم آن است. مثلا ارگ وقتی در زلزله تخریب شد تعداد زیادی گروه داخلی و بین‌المللی در بم شروع به فعالیت کردند تا خشت را ارتقا دهند، از لیف خرما استفاده کردند، دانه‌بندی خاک را تغییر دادند و کارهای مطالعاتی بسیاری برای مقاوم‌سازی ساختارهای خشتی انجام شد. این اقدام مرمتی یعنی توسعه علم.

اگر در بم از سازه‌های مقاوم و متریال جدید استفاده می‌شد دیگر نامش استفاده از علم نبود بنابراین استفاده از دانش بومی و ارتقاء آن و یادگیری از بنای تاریخی اهمیت زیادی دارد. از همین رو، تبیین رویکردها در مرمت مهم است و کار هر کسی نیست به همین دلیل است که اکثر معتقدند اقدامات مرمتی باید با همفکری و خردجمعی گرفته شود و در شوراهای مشورتی مورد بررسی قرار گیرد. همانطور که در مثال آوردید سازه‌های آبی تاریخی شوشتر به عنوان بزرگترین سازه آبی تاریخی جهان هم‌اکنون مشکل سازه‌ای و پایداری دارد و ما باید بستر آن را که شامل یک سطح گسترده‌ای از طبیعت و خاک و آب می‌شود را تثبیت کنیم.

بنده در شورای تخصصی معاونت میراث فرهنگی عضو حقیقی بودم که طرح مرمت سازه‌های آبی – تاریخی شوشتر بررسی شد. در آن جلسه همه صاحبنظران و پیشکسوتان حضور داشتند و قرار بود برای تداوم حیات یک بنای تاریخی تصمیم گرفته شود. شاید این شیوه تثبیت جداره‌های سازه که در شوشتر اتفاق افتاد مناسب نباشد اما باعث می‌شود عمر این بنا در شرایطی که قرار دارد بیشتر شود. در برخی مواقع ما فرصت نداریم که ببینیم بخیه‌ای که به بدن بیمار یک بنای تاریخی زده می‌شود اصولی است یا خیر ما در آن لحظه فقط به فکر نجات آن بنا هستیم که دچار مرگ نشود. ثبیت جداره‌های سازه‌های آبی تاریخی شوشتر اقدام عاجل بود که اگر انجام نمی‌شد بنا از بین می‌رفت. یکی از موضوعاتی که باعث می‌شود رویکردهای ما در مواجهه با بناهای تاریخی متفاوت باشد این است که هر کدام از بناها یک کاراکتر و یک شخصیت جداگانه دارد و نمی‌توان یک رویکرد مرمتی را در یک بنا تسری بدهیم به بنای دیگر و آن‌ها را در مقام قیاس قرار دهیم. چراکه این بناها از نظر کاربری، دوره ساخت، به کارگیری مصالح و پایداری سازه‌ای متفاوت هستند. ما باید برای مرمت یک اثر مطالعه، آسیب‌شناسی و سنجش وضعیت کنیم و پس از آن تصمیم بگیریم و رویکرد خود را اتخاذ کنیم ما در مرمت استاندارد مشخصی برای هر بنا نداریم خیلی‌ها معتقدند که این استانداردها باید وجود داشته باشد اما خب شرایط هر بنا با یکدیگر متفاوت است و هر بنایی برای خود یک طرح متفاوت، یک مانیفست و یک دستورالعمل می‌خواهد.

آیا برای مرمت میراث جهانی استاندارد مشخصی وجود دارد؟

میراث جهانی از آن دسته بناهایی است که باید بیشتر مورد تاکید قرار دهیم ولی به طور کلی مرمت بناهای تاریخی باید براساس منشورها و استانداردهای بین‌المللی پیش برود. ما به صورت اختصاصی دستورالعمل خاصی در مورد مرمت میراث جهانی نداریم. یک کنوانسیون حمایت از میراث جهانی فرهنگی – طبیعی که بیشتر در مورد کلیات مدیریت آثار است وجود دارد. اینکه میراث جهانی چگونه مدیریت شوند و هر یک از آثار جهانی دارای یک پلان مدیریت است مثل پلان مدیریت سازه‌های آبی – تاریخی شوشتر، یا پلان مدیریت گنبد سلطانیه میراث جهانی بیشتر توصیه است تمام این منشورها و کنوانسیون‌ها توصیه است الزام نیست چیزی که الزام است قوانین داخلی و ملی کشورهاست. در دنیا شیوه مدیریت بناهای تاریخی به تنهایی نیست و کاملا شورایی و مشورتی است.

یک شورا تصمیم می‌گیرد. تصمیم گیری یک فرد یا یک شخص در مواجهه با میراث فرهنگی خیلی سخت است و توصیه شده که از نمایندگان مردم و متخصصان و کارشناسان محلی، استادان دانشگاه و پیشکسوتان استفاده شود درست مثل ترکیبی که ما در شورای راهبردی و فنی خود استفاده می‌کنیم.

سازه جدید در عمارت منسوب به «فخرالدوله» برچیده شد

گروه علمی و آموزشی – کمیته پیگیری حفاظت از خانه‌های تاریخی تهران از برچیده شدن سازه جدید در عمارت منسوب به فخرالدوله خبر داد.

کمیته پیگیری حفاظت از خانه‌های تاریخی تهران از برچیده شدن سازه جدید در عمارت منسوب به فخرالدوله خبر داد. این کمیته همچنین اعلام کرد: خانه منسوب به فخرالدوله یکی از بناهای تاریخی شهر تهران است که در قالب پرونده «مجموعه ساختمان‌های خیابان فخرآباد» به شماره ۸۰۰۸ به تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۱ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است و در حقیقت این بنا متعلق به «منشور الملک» است و به غلط این بنا را به «فخرالدوله» نسبت می‌دهند. کمیته پیگیری حفاظت از خانه‌های تاریخی تهران این توضیح را اضافه کرد که عمارت فخرالدوله در سال ۱۳۸۸ و به دستور محمدباقر قالیباف، شهردار وقت تهران، به انجمن مداحان واگذار شد. این بنا تا پیش از آن، محل مدیریت بافت تاریخی و گردشگری شهرداری منطقه ۱۲ بود. سوم شهریور سال ۱۴۰۲ نیز با همراهی شهرداری منطقه ۱۲ و بنا به درخواست خانه مداحان، یک شهید گمنام پس از تشییع در مدرسه عالی شهید مطهری، در محوطه ورودی این بنا به خاک سپرده شد و به استناد گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۲، وحیدرضا انارکی، شهردار منطقه ۱۲ از ایجاد مقبره‌ای درخور شأن برای این شهید گمنام در محرم همان سال خبر داده بود. این کمیته یادآور شد: پس از تعطیلات عید نوروز ۱۴۰۳، شهرداری منطقه ۱۲ بدون استعلام از اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران، سازه‌ای نامتناسب با این عمارت تاریخی روی مقبره این شهید والامقام ایجاد کرد که اعتراضات فراوانی از سوی مردم و مسئولان ایجاد کرد و در همان زمان مصطفی خرسندی، رئیس خانه مداحان نیز در مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۴۰۳ با برخی رسانه‌ها اعلام کرد که کار ساخت این سازه متوقف شده است و پس از استعلام و اعلام نظر میراث فرهنگی این بنا ساخته خواهد شد. اکنون با پیگیری‌های کمیته مردم‌نهاد حفاظت از خانه‌های تاریخی تهران به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد غیردولتی و همت معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران، دستور حذف این سازه و توقف ساخت آن به خانه مداحان اعلام شد و در چند روز اخیر این سازه به طور کامل برچیده شد و نمای خانه منسوب به فخرالدوله دوباره به حالت اولیه خود برگشت.

ماشین‌ها به جای دست‌ها صنایع دستی ایران را تولید می کنند

گروه علمی و آموزشی – جدای از برخی تولیدات خاص که توسط تولیدکنندگان صنایع دستی تولید می‌شود و با قیمت بالا و درخور اثر فروخته می‌شود، بیش از ۸۰ درصد از تولیدات صنایع دستی ایران ماشینی شده است. پیگیری‌ها از تعدادی از هنرمندان و صنعتگران این حوزه مشخص هنر از شاکله صنایع دستی خارج شده و به‌سمت ماشینیزم و تولیدات صنعتی گرایش پیدا کرده است.

صنایع دستی حال و روز خوشی ندارد، تولیدات رو به افول است و بسیاری از فروشگاه‌های صنایع دستی کاسبی را تعطیل کرده‌اند و تولیدکنندگان نیز به شغل‌های دیگر روی آورده‌اند. اگر گذرتان به میدان نقش جهان اصفهان بیفتد خواهید دید که تعداد بسیاری از مغازه‌های صنایع دستی با تغییر کاربری به بنجل فروشی و بستنی فروشی کالاهای صنایع دستی را جمع کرده‌اند و با این هنر و صنعت در سکوت و خاموشی خداحافظی کرده‌اند. کارشناسان صنایع دستی ساختار ضعیف اقتصاد، نبود تقاضا، عدم تامین مواد اولیه و چالش‌های صادرات را از جمله چالش‌های صنایع دستی و ماشینی شدن تولیدات این حوزه عنوان می‌کنند. رضا ناموری‌فرید (فعال صنایع دستی) در این رابطه می‌گوید: درحال‌حاضر صنایع دستی در حوزه ساختار، تامین مواد اولیه، صادرات، استانداردسازی تولیدات و بسیاری از مسائل دیگر دچار مشکلات جدی است به گونه‌ای که هم‌اکنون جای هنر اصیل ایرانی را صرفا تولیدات صنعتی گرفته است و تعداد زیادی از رشته‌های صنایع دستی از جمله قلمزنی، میناکاری، فیروزه‌کوبی با دستگاه پرس انجام می‌شود و به سمت ماشینی شدن رفته است. زمانی که اقتصاد در صنایع دستی پویا باشد صنایع دستی نیز راه خود را پیدا می‌کند اما در شرایط فعلی اقتصاد در حوزه صنایع دستی درحال افول است و برای تولیدکننده به‌صرفه نیست کالاهای فاخر تولید کند که تقاضایی برای آن نیست. فرش دستبافت قم ماشینی شده است و دیگر با ابریشم بافته نمی‌شود. ناموری فرید ادامه می‌دهد: هنرمند قلمزن دیگر قلمزنی نمی‌کند و بیش از ۸۰ درصد قلمزنی‌ها جدای از تولیدات خاص هنرمند با دستگاه پرس ساخته می‌شود و کاملا ماشینی است.

به گفته او، در دنیای قلمزنی تعداد اندکی هنرمند قلمزن مثل آقای ساعی و آقای علمداری باقی مانده‌اند و به خاطر به صرفه نبودن این شغل دیگر شاگردی پرورش پیدا نمی‌کند اتفاقاتی که صرفا به دلیل اقتصاد فروپاشیده صنایع دستی شاهد آن هستیم.

این فعال صنایع دستی رشته‌های دیگر چون میناکاری، فیروزه‌کوبی و ... را از این قاعده ماشینی شدن مستثنی ندانست و ادامه می‌دهد: در گذشته خم‌کارها برای ساخت مظروفات صنایع دستی از ماشین استفاده می‌کردند که هیچ ایرادی نداشت چون پس از ساخت مظروفات هنر قلمزنی یا مینا روی آن انجام می‌گرفت اما درحال‌حاضر همین هنر دست هم ماشینی شده است و با دستگاه پرس انجام می‌شود. از آنجا که تعداد تولیدکنندگان صنایع دستی کاهش پیدا کرده است در برخی مواقع اداره‌های دولتی سفارش صنایع دستی در تعداد بالا می‌دهند که تولیدکننده به خاطر قیمت پایینی که تقاضاکننده پیشنهاد می‌دهد مجبور است صنایع دستی ماشینی با کیفیت پایین تولید کند تا پول در گردونه اقتصاد صنایع دستی بچرخد. اینگونه است که صنایع دستی از هنر – صنعت خارج می‌شود و صرفا تبدیل به صنعت می‌شود. در دولت نهم و دهم طرحی اجرا شد مبنی بر اینکه اداره‌های دولتی نیم‌درصد از بودجه خود را صرف خرید صنایع دستی کنند و بانک‌ها نیز جوایز خود را به صنایع دستی اختصاص بدهند. این طرح‌ها باعث رونق صنایع دستی و افزایش تولیدکنندگان شده بود اما همانطور که می‌بینیم پس از گذشت سال‌ها رها شد و مسکوت باقی ماند. ناموری‌فرید ادامه می‌دهد: متولیان و مسئولان اگر از اهمیت صنایع دستی آگاه بودند و می‌دانستند که یک سوم اشتغال کشور را صنایع دستی حل می‌کند تا این حد صنایع دستی را نادیده نمی‌گرفتند و برای رفع مشکلات اساسی این حوزه چاره‌ای می‌اندیشیدند. مبلغ اجاره مغازه در خیابان ویلا ماهیانه بیش از ۲۵۰ میلیون تومان است یک فروشنده صنایع دستی، اتومبیل هم بفروشد نمی‌تواند این اجاره را پرداخت کند چه به برسد به فروش صنایع دستی! در سالهای قبل تنها دغدغه ما از ماشینی شدن تولیدات صنایع دستی فقط ترمه بود. چون ترمه جزو رشته‌هایی است که دیگر صنایع دستی محسوب نمی‌شود و کاملا ماشینی بافته می‌شود مگر آنکه سرمه‌دوزی روی آن انجام گیرد.

نصب و راه اندازی شبکه
پشتیبانی شبکه
مشاوره رایگان
نصب و راه اندازی دوربینهای مداربسته
پشتیبانی دوربینهای مداربسته
رفع اشکال
۰۷۶۴۴۸۰۵ – ۷۶ و ۰۷۱۹۱۰۹۲۶۷۵
TRK
تیام رایان کیش
اینترنت پرسرعت ...
Tiyamnet
Tiyam.ir